

## تکنیک‌های نمایش خلاق

نویسنده: منوچهر اکبرلو

ناشر: حوا

سال نشر: پاییز ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

در این کتاب می‌خوانیم: روند تعلیم و تربیت امروز، به‌سوی خلاقیت در آموزش هنر (موسیقی، نمایش، نقاشی و...) گرایش دارد. اما منظور از «خلاقیت» چیست؟ خلاقیت را می‌توان به معنای زندگی بخشیدن، ساختن یا پدید آوردن چیزی در نظر گرفت. هنر به هر شکل، باید برگرفته از درون فرد یا گروه باشد. هنر بیان چیزی است که از درون تکامل یافته و نه تحمیل نوع تکامل یافته‌ای از آن بر فرد یا گروه. هنر زاینده پیوند تکنیک و بیان خودجوش است.

آفرینش نمایشی عبارت است از ایجاد شکل و ساختار، با استفاده از تخیل که آن را نمایش‌نامه می‌خوانیم. نمایش‌نامه ممکن است برگرفته از موقعیت‌های عادی زندگی و با ادبیات کلاسیک کودکان باشد. به‌عبارت دیگر، ساختار دراماتیک نمایش‌نامه به‌طور معمول وسیله‌ای است برای تلاش خلاق اعضای گروه. با وجود این، نمایش‌نامه از لحاظ چگونگی بیان انعطاف‌پذیر است.

در نمایش‌نامه نیز مانند دیگر اشکال هنر، برای ایجاد ارتباط، تکنیک مشخصی وجود دارد. این تکنیک عبارت است از تجزیه و تحلیل مرحله به مرحله معنای خلاقیت نمایشی و کاربرد تکنیک لازم برای دستیابی به موفقیت. امروزه توان هنرهای نمایشی، به‌عنوان یک نیروی آموزشی و نیز به‌عنوان نوعی از هنر، به‌خوبی شناخته شده است. خلاقیت نمایشی را می‌توان

نیرویی حیاتی برای پرورش ذهن و شخصیت دانست.

در گذشته در تئاتر کودکان، تأکید بر حاصل کار گروهی و طرز بیان فصیح و حُسن اجرای فردی بود. نمایش پیش از هر چیز به صحنه و بازیگران تعلق داشت که بقیه‌ی کودکان به‌عنوان تماشاچی در کار سهیم بودند. اما امروزه دیدگاه‌ها تغییر کرده‌اند. در مورد نقش چشم‌گیر این دگرگونی، همین بس که اندیشمندان دریافته‌اند، در درون بیشتر ما، نوعی حس نمایشی وجود دارد که از آن به خلاقیتی رضایتمندانه دست می‌یابیم. امروزه این امر یکی از زمینه‌های مهم ایجاد سرگرمی برای پر کردن اوقات فراغت به‌شمار می‌آید. در زمینه‌ی تئاتر کودکان نیز، بینش جدیدی نسبت به توان خلاقیت نمایشی کودکان ایجاد و ذوق فطری کودکان در ایفای نقش، که درون‌مایه‌ی نمایش است، به‌عنوان وسیله‌ای مؤثر در آموزش شناخته شده است.

نویسنده در بخشی از فصل اول کتاب با عنوان «تخیل، خلاقیت و نمایش» می‌نویسد: «آگاهی از توان خلاقیت نمایشی کودکان و دستاوردهای آموزشی ناشی از آن در طیفی گسترده، به دوره‌ی تصنعی بودن تئاتر کودکان خاتمه داد. پیش از آن، نمایش متعلق به معدود افراد با استعداد بود و بر صحنه پردازی‌های چشم‌گیر، تشویق‌های فراوان و میزان فروش بلیت تأکید داشت.»

نویسنده ادامه می‌دهد: «کودکان فعال و باهوش برای موفقیت هنری نمایش مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند (این امر در تلویزیون، رواج دارد). به تأثیرات وارده بر شخصیت کودکانی که این‌گونه مورد سوءاستفاده قرار گرفته و بعدها کنار گذاشته شده بودند، توجهی نمی‌شد. حتی فن بیان

و فصاحت کلام نیز مخرب بود، زیرا نه تنها مصنوعی می‌نمود، بلکه کودکان را نیز از نظر میزان جلب توجه دیگران، از یکدیگر مجزا می‌کرد. این مسیر نادرست هنوز ادامه دارد و هدف تئاتر بیشتر منحصر به اجرای جذاب بدون در نظر گرفتن جنبه‌ی خلاقیت است. در واقع، به ارزش‌های اجتماعی توجه کمی می‌شود یا اصلاً به آن‌ها بها داده نمی‌شود. کاستی‌ها و نقاط ضعف تئاتر رسمی، به‌خصوص برای کودکان خردسال، کاملاً آشکار است.»

اکبرلو در بخش دیگری از کتاب خود در این زمینه می‌نویسد: «هیجان ناشی از تحریک بیش از حد، رقابت ناسالم و تصنعی بودن بیان و حرکات متداول. این بازی‌ها به هیچ‌وجه زاینده‌ی ذهن کودک نیستند. ارتباط بین تئاتر رسمی و بازی‌های خلاق، از حس دراماتیک ذاتی که در درون همه‌ی ما نهفته است، سرچشمه می‌گیرد. نوع قدیمی‌تر تئاتر، تنها افراد با استعداد را دربرمی‌گیرد، حال آن‌که خلاقیت نمایشی، از این حس دراماتیک

رشد آموزش

۶۱

دوره‌ی هفتم  
شماره‌ی ۲  
زمستان ۱۳۸۸



همگانی به عنوان وسیله‌ای آموزشی استفاده می‌کند و شادی را که نتیجه‌ی ایجاد یک روزنه‌ی احساسی خلاق در فرد است، در او پرورش می‌دهد.»

نویسنده تأکید دارد: تغییر نمایش رسمی به غیررسمی، از طریق شناخت تدریجی توان خلاقیت‌های نمایشی برای همه‌ی کودکان میسر است. هم‌چنین، دو مانع عمده‌ی خلاقیت نمایشی را چنین برمی‌شمارد:

۱. عدم آگاهی از امکانات فعالیت‌های خلاق؛

۲. ناآشنایی با این که چگونه می‌توان به نتایج هنری مطلوب دست یافت.

مشکلات عمده‌ای که هر مربی با آن‌ها روبه‌روست، عبارت‌اند از: انتخاب موضوع، مشکلات انضباطی در ارتباط با اجرای کار، رفتار و عوامل روان‌شناختی و نیز یافتن روش‌های سهل‌الوصول برای اجرایی موفق. این مشکلات محدود به کلاس‌های درس محدود نیستند و بسته به نوع ماجرای نمایشی تغییر می‌کنند.

کتاب تکنیک‌های نمایش خلاق با توجه به نیاز دوره‌های آموزشی مربیان نمایش خلاق در نهادهای گوناگون نوشته شده است و ترکیبی است از ترجمه، تألیف و بیان تجربیات نویسنده در زمینه‌ی نمایش خلاق. در پایان هر فصل، بخش‌های «مرور فصل» و «پرسش‌های فصل» به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که به عنوان یک کتاب آموزشی، برای مطالعه‌ی علاقه‌مندان و نیز شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی نمایش خلاق در نهادهای گوناگون، مانند مراکز آموزش ضمن خدمت در آموزش و پرورش، انجمن‌های نمایش، فرهنگ‌سراها، تشکل‌های غیردولتی، آموزشگاه‌های آزاد هنری و... قابل استفاده باشد.

## سه نمایش‌نامه‌ی کودکانه

\* نویسندگان: سید حسین فدای حسین، منوچهر اکبرلو، امیر مشهدی عیسی

\* ناشر: حوا

\* سال نشر: ۱۳۸۷

\* شمارگان: ۳۰۰۰

\* قیمت: ۹۰۰ تومان

نمایش‌نامه‌ی این کتاب که برای گروه‌های تئاتر کودک، معلمان هنر و مربیان کودکان قابل استفاده‌اند، عبارت‌اند از:

### \* گریه کن ابر سفید

مدتی است در باغ باران نباریده و درختان و گل‌ها منتظر خبری از گنجشک هستند. او رفته است تا ابر سفید را به باغ دعوت کند.

گنجشک می‌آید و خبر می‌دهد که ابر سفید برای آمدن به وزش باد نیاز دارد. درختان و گل‌ها با کمک تماشاگران، باد را به باغ می‌خوانند و باد نیز کمک می‌کند تا ابر سفید به باغ بیاید. ابر سفید اما می‌گوید که به تنهایی توان باریدن ندارد. او برای این کار به کمک دوستش

ابر سیاه نیاز دارد، ولی مشکل این جاست که آن‌ها مدتی است با هم قهر هستند. گویا ابر سفید مدتی پیش باعث اذیت و دلخوری دوستش ابر سیاه شده است.

ابر سفید به خاطر نجات باغ، برای ابر سیاه پیغام می‌فرستد و از او به خاطر رفتارش عذرخواهی می‌کند. ابر سیاه نیز دوستش را می‌بخشد و آن‌ها با دیدن هم شروع به گریه می‌کنند؛ گریه‌ی شوق ... باران در باغ شروع به باریدن می‌کند و طراوت و تازگی به باغ برمی‌گردد.

متن نمایش‌نامه، هم‌چون دیگر آثار سید حسین فدای حسین، آرام آرام ماجرا را آغاز می‌کند و موقعیت نمایشی را پیش می‌برد. در قسمتی از متن این نمایش‌نامه می‌خوانیم:

**گل سرخ:** درسته. ما باد رو صدا می‌زنیم. اگر شنید که شنید، اگر هم نه ... حداقل سعی خودمون رو کردیم.

**گنجشک:** این بهترین کاره. خدا هم حتماً کمک می‌کنه ... / رو به دور دست فریاد می‌زند / آهای باد مهربون ... آهای بید: بی‌فایده است. این کارها دردی رو دوانمی‌کنه.

### گل سرخ: هرچی

باشه از بی‌کار موندن که بهتره. / رو به دور دست فریاد می‌زند / آهای باد مهربون ... آهای ...

**بقیه:** آهای باد مهربون ... آهای ... هر کجا هستی، اگه صدای ما رو می‌شنوی، بدون که تشنه‌ایم. یه تکونی بخور و ابر سفید رو به این‌جا بیاور ... آهای باد مهربون ... آهای ...

**بید:** گفتم که بی‌فایده‌اس! صدای ما به اون نمی‌رسه.

**گنجشک:** چه‌طور

